

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵ / ۰۷ / ۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵ / ۰۸ / ۲۰

(صفحه: ۲۹-۴۶)

## تأثیر ادبیات نوگرای ترک بر تحول شعر فارسی عصر مشروطه

باقر صدری‌نیا\*

**چکیده:** پیوندهای فرهنگی موجود میان ایران و سرزمین‌هایی که امروز ترکیه نامیده می‌شود، ریشه‌های تاریخی بسیار دیرینه‌ای دارد؛ قطع نظر از مناسبات کهن مربوط به اعصار دوردست تاریخ، از دوره سلجوقیان به بعد، پیوند میان این دو فرهنگ استوار در طول قرون چنان وسعت و استحکامی یافته بود که در برخی مقاطع تاریخی به دشواری می‌توان مرزهای فرهنگی این دو سرزمین را از هم تفکیک کرد. یکی از بارزترین جلوه‌های این پیوند را در مناسبات ادبی میان ایران و ترکیه می‌توان دید. روابط و پیوندهای ادبی میان این دو ملت را می‌توان به دو دوره ماقبل تجدد (عصر سلجوقی و عثمانی) و مابعد تجدد (عصر تنظیمات، مشروطه و جمهوری) تقسیم کرد. مقاله حاضر، ضمن اشاره به پیشینه روابط فرهنگی - ادبی ایران و ترکیه و چگونگی رواج زبان و ادبیات فارسی در دوره ماقبل تجدد و تأثیر آن بر ادبیات دیوانی و کلاسیک ترک، بر آن است که مناسبات ادبی دو کشور را در دوره تنظیمات و به‌ویژه در دوره مشروطه عثمانی و مشروطه ایران بررسی کند. پیش فرض مقاله آن است که از دوره مشروطه عثمانی روند تأثیرپذیری معکوس شده و ادبیات ایران، به‌ویژه شعر فارسی، تحت تأثیر ادبیات نوگرای ترک قرار گرفته است. نویسنده، با ذکر نمونه‌هایی، درصدد تبیین چند و چون این تأثیر و تأثر برآمده است.

**کلیدواژه‌ها:** پیوندهای ادبی، سلجوقی، عثمانی، تنظیمات، مشروطه، نوگرایی

## ۱ مقدمه

پیوندها و مناسبات ایران و ترکیه پیشینه تاریخی بسیار کهنی دارد. برخی از پژوهشگران ایرانی پیشینه رسوم و آیین‌های ایرانی در آناتولی را از دوره فتوحات هخامنشیان دانسته و نفوذ آیین مهرپرستی و اجرای مراسم دینی در پرستشگاه‌های مغان را، با استناد به قول استرابون<sup>۱</sup>، نشانه‌های این مناسبات تلقی کرده‌اند (← ریاحی: ۱؛ امامی خوبی: ۴۱-۴۲). محمدمامین ریاحی، با استناد به استنباط عبدالباقی گولپینارلی، مولوی شناس ترک، بسیاری از آداب مولویه نظیر تقدس اجاق و مطبخ خانقاه و خاموشی در اثنای صرف طعام را ادامه سنت‌های زردشتی دانسته و حتی گلبانگ سفره را، که میان مولویه معمول بوده، همان زمزمه مزدپرستان شمرده است (← ریاحی: ۲). قطع نظر از این علایق کهن که می‌تواند محل بحث و اختلاف نظر باشد، تاریخ روابط و پیوندهای فرهنگی میان ایران و ترکیه را می‌توان به دو دوره ماقبل تجدد و مابعد تجدد تقسیم کرد. دوره نخست عصر سلجوقی و عثمانی تا دوران تنظیمات، و دوره دوم از زمان تنظیمات تا به امروز را شامل می‌شود. مقاله حاضر، پس از اشاره‌ای کوتاه به دو دوره نخست، در صدد بررسی اجمالی ادبیات دوره تنظیمات و مشروطه عثمانی و تأثیر آن بر شعر دوره مشروطه ایران است.

## ۲ پیشینه پژوهش

پیش از این، درباره تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات ترک مطالعاتی در ترکیه انجام شده است، که سلسله مقالاتی با عنوان «تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات ما»<sup>۲</sup> (← نظیف: ۱۹-۷۲) از آن جمله است. در ایران نیز، علاوه بر چند مقاله، محمدمامین ریاحی، در کتاب *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، پیشینه رواج و تا حدی تأثیر زبان فارسی را در ترکیه بررسی کرده است. اما تا آنجا که جست‌وجوی ما نشان می‌دهد، درخصوص

تأثیر ادبیات و شعر دوره مشروطه عثمانی بر شعر فارسی، جز چند اشاره کوتاه چندسطری در کتاب ریاحی و نیز برخی اشارات پراکنده در خلال مباحث جلد دوم کتاب *از صبا تا نیما* نوشته یحیی آربین پور، نه در ایران و نه در ترکیه، پژوهش مستقلی به سامان نرسیده است؛ از این رو، هرگونه بحث و پژوهشی در این باره بی فایده نخواهد بود.

### ۳ مناسبات ادبی در عصر سلجوقی و عثمانی

جنگ ملازگرد یا منازگرد را، که در سال ۴۶۳ق میان آلب ارسلان سلجوقی و رومانوس دیوجانس، قیصر روم، رخ داد و به پیروزی سلجوقیان انجامید (حسینی: ۵۰-۵۳؛ قس. اصفهانی: ۴۰-۴۲)، می توان نقطه عطفی در مناسبات ایران و آناتولی تلقی کرد. پس از این رخداد مهم، بسیاری از ایرانیان همراه سپاه سلجوقی راهی آسیای صغیر شدند. در دوره های بعد به ویژه بعد از تشکیل حکومت سلجوقیان در آناتولی و سقوط امپراتوری سلجوقی و حوادث پس از آن، بر کثرت و انبوهی مهاجران ایرانی افزوده شد و پس از آن، به دنبال حمله مغول، گروه های بسیاری از طبقات مختلف مردم ایران به قلمرو حکومت سلجوقیان روم مهاجرت کردند؛ چنان که در دوران حکومت علاءالدین کیقباد سلجوقی، شاهد حضور بسیاری از خاندان ها و شخصیت های سرشناس و مشاهیر عرفان و ادب و علم و سیاست و اقشار گوناگون اجتماعی در آسیای صغیر و تأثیر و تأثر فرهنگی، علمی و ادبی متقابل هستیم (برای مطالعه بیشتر ← صدری نیا ۲: ۴۳-۶۷). در این دوره، علل و عوامل گوناگون، از جمله حمایت حکمرانان سلجوقی از دانش و ادب، موجب مهاجرت بسیاری از دانشمندان و اهل فرهنگ و ادب به آسیای صغیر شد. نجم الدین رازی (۵۷۳-۶۵۴ق) از جمله کسانی است که، ضمن گزارش علت مهاجرت خود به آن سرزمین، بر همین نکته تأکید کرده است (← نجم الدین رازی: ۱۹-۲۶). کثرت حضور فرهیختگان ایرانی، از یک سو، و دلبستگی حکمرانان سلجوقی به زبان و ادب فارسی، از دیگر سو، به فرهنگ و ادبیات عصر سلجوقیان آسیای صغیر صبغه کاملاً ایرانی بخشیده

بود، چنان‌که در این ایام زبان فارسی به عنوان زبان رسمی، اداری و سیاسی دربار سلجوقی رواج داشت و آثار گوناگون علمی، ادبی و تاریخی به این زبان نوشته می‌شد (← حبیب: ۱۲؛ زرین‌کوب: ۶۵-۶۶). نگارش آثار مختلف به زبان فارسی در آسیای صغیر در عهد سلجوقی و همچنین اشعار بازمانده از برخی شاهان و شاهزادگان این سلسله از جمله شاهزاده ناصرالدین برکیارق، پسر قلیچ ارسلان دوم، و برادرش ملک محی‌الدین، همچنین سروده‌های سلطان غیاث‌الدین کیخسرو اول، عزالدین کیکاوس اول و علاء‌الدین کیکباد اول (← ابن بی‌بی: ۴۵-۹۵؛ ریاحی: ۴۱، ۴۵-۴۷، ۴۹، ۵۰) تأیید دیگری بر رواج زبان فارسی در آناتولی عصر سلجوقی است.

در دوره عثمانی نیز روند گسترش زبان و ادب فارسی با فراز و فرودهایی ادامه داشت، هرچند به دلیل مناسبات خصمانه سیاسی و مذهبی عثمانیان و صفویان روابط دو ملت تا مدت‌ها تیره بود، اما استحکام پیوندهای فرهنگی و ادبی مانع از آن بود که جنگ‌ها و کشاکش‌های سیاسی و مذهبی این پیوندها را مخدوش کند. در این دوره، اهمیت و جایگاه زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی چنان بود که نه فقط اهل فضل و فرهنگ به فراگیری آن اشتیاقی تام داشتند، بلکه پادشاهان عثمانی نظیر سلطان سلیم، سلطان سلیمان و... به فارسی شعر می‌سرودند (برای نمونه‌های این اشعار ← صدر قونیی: ۴-۱۵؛ ریاحی: ۱۶۶-۱۶۷، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۸۱-۱۸۲). نگارش شروح مختلف بر متون ادب فارسی در سرزمین‌های عثمانی، از جمله شرح سودی بر *گلستان* و *بوستان* سعدی و *دیوان* حافظ و شرح اسماعیل انقروی بر *مثنوی* معنوی (از شناخته‌شده‌ترین شروح *مثنوی*)، گواه دیگری بر جایگاه بی‌بدیل زبان و ادب فارسی در این دوره است.

اعتبار زبان فارسی تا واپسین دوره‌های عثمانی کم‌وبیش دوام داشت و ادبیات کلاسیک و دیوانی، و حتی ادبیات دوره تنظیمات و مشروطه ترک عمیقاً متأثر از ادب فارسی بود، چنان‌که امروز نیز، بدون آشنایی با زبان و ادبیات فارسی،

به دشواری می‌توان از دقایق و ظرایف ادب دوره‌های گذشته ترک آگاه شد (برای نمونه ← حبیب: ۱۰۴-۱۰۶، ۱۲۱-۱۲۲، ۲۰۵-۲۰۶؛ Akşemseddin: 349-360; EMRE: passim). تنها مدتی پس از دوران مشروطیت بود که، با رواج اندیشه‌های ناسیونالیستی، به تدریج از اهمیت زبان و ادبیات فارسی کاسته شد و، چند سال پس از برافتادن خلافت عثمانی و روی کار آمدن نظام جمهوری در ترکیه و حذف زبان فارسی از برنامه آموزشی مدارس و تغییر خط، گسستی در پیوندهای ادبی پدید آمد و زبان فارسی تنها در میان گروه اندکی از فرهیختگان و نخبگان ترک و در برخی مجامع علمی و دانشگاهی به حیات خود ادامه داد. با این حال، از این دوره به بعد نیز، علی‌رغم پاکسازی وسیع زبان از واژگان فارسی و عربی و گسست مناسبات ادبی، بسیاری از کلمات فارسی در زبان مردم ترکیه باقی مانده است.

#### ۴ دوره تنظیمات و مشروطه

دوره تنظیمات با روزگار فرمانروایی عبدالمجید اول (حکومت: ۱۲۵۵-۱۲۷۷ق/ ۱۸۳۹-۱۸۶۱م) مصادف بود و، در خلال آن، مصطفی رشید پاشا پسر سلطان محمد دوم (۱۸۰۰-۱۸۵۸م)، سیاستمدار برجسته عثمانی، و پس از او، عالی پاشا و فؤاد پاشا رشته امور کشور را به دست گرفتند. با کوشش‌های آنان بود که در تاریخ ۲۶ شعبان ۱۲۵۵ق/ سوم نوامبر ۱۸۳۹م «فرمان گلخانه» معروف به «خط شریفه گلخانه» صادر شد و در تعمیق دگرگونی‌های فکری، سیاسی و اجتماعی سرزمین‌های عثمانی تأثیر آشکاری نهاد (← حضرتی: ۱۳۵ به بعد). تداوم این تحولات به ظهور جریان فکری و اصلاح‌طلبانه نوعثمانیان و جنبش مشروطه‌خواهی و، در نهایت، اعلان مشروطه اول در سال ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۶م انجامید.

در دوره تنظیمات، بر اثر آشنایی و ارتباط نزدیک نخبگان جامعه عثمانی با اروپا و درک ضرورت نوسازی جامعه از طریق اخذ و اقتباس مظاهر تمدن جدید، زمینه دگرگونی بنیادین در ساحت اندیشه و جامعه فراهم آمد که نتایج آن در دوره مشروطه نمایان شد. در این دوره، حلقه‌های روشنفکری نیرومندی در بیرون و درون ساخت قدرت شکل گرفت و ضرورت تحول را از محدوده نخبگان حکومتی به میان مردم برد.

یکی از پیامدهای دوره تنظیمات و مشروطه آشنایی روشنفکران عثمانی با ادبیات غرب و، به طور خاص، ادبیات فرانسه و ایجاد تحول در ادبیات ترک بود. ابراهیم شناسی (وفات: ۱۸۷۱م)، ضیاء پاشا (وفات: ۱۸۸۰م) و به‌ویژه نامق کمال (وفات: ۱۸۸۸م)، سه شاعر و ادیب مشهور عثمانی، از پیش‌گامان این تحول بودند. این هر سه، مدت‌ها، برای تحصیل و یا به صورت تبعیدی، در فرانسه به سر برده بودند (← آژند: ۵۶)، از این رو، سخت از ادبیات و اندیشه سیاسی فرانسه متأثر بودند (براون: ۹۸). شناسی به‌خوبی با حوزه ادبی آلفونس دولامارتین<sup>۱</sup> (وفات: ۱۸۶۹م)، شاعر و نویسنده فرانسوی، و ارنست رنان<sup>۲</sup> (وفات: ۱۸۹۲م)، لغت‌شناس و فیلسوف فرانسوی، ارتباط یا آشنایی داشت (آژند: ۶۹) و نامق کمال نخستین کسی بود که اصطلاح وطن، ملت و حریت را در مفهوم جدید آن به کار برد (براون: ۹۹). او، با انتشار روزنامه تصویر/فکار، گام مهمی در نشر اندیشه‌های نوین برداشت و، در عین حال، پیش‌گام نمایشنامه‌نویسی در قلمرو عثمانی بود (← آژند: ۶۵-۶۷).

نامق کمال، با آثار گوناگون خود، ادبیات نوین ترکیه را اعتلا بخشید و تحولی ژرف در عرصه فرهنگ و ادب و اندیشه سیاسی پدید آورد. وی، با انتقاد از ادبیات دیوانی، سرودن شعر در اوزان عروضی را عبث خواند و، با طرح ضرورت اصلاح زبان و بهره‌گیری از واژگان ترکی به جای کلمات فارسی و عربی در خلق آثار ادبی، به لزوم گسست از موازین سنت ادبی کهن تأکید کرد (← همان: ۵۶-۵۷). با این حال، این عبدالحق حامد (وفات: ۱۹۳۷م)، شاگرد نامق کمال، بود که پایه‌های شعر جدید را استوار ساخت. وی، به سبب موقعیت شغلی خود و پدرش، این امکان را پیدا کرد تا در کشورهای مختلف آسیا و اروپا زندگی کند و با ادبیات ملل مختلف آشنا شود و تجربیات ادبی خود را در خلق آثارش به کار گیرد. حامد چندین سال از اوان جوانی خود را در تهران گذراند و، در این مدت، با شعر و ادب فارسی نیز آشنا شد. وی بعدها نوشت: «پس از

1. Alphonse de LAMARTINE

2. Ernest RENAN

آشنایی با شعر فارسی، سعدی، قآنی و حافظ با روح من همدم شدند و نخستین آثاری که از آنها ذوق‌یاب شدم آثار فارسی بود» (حبیب: ۲۱۶). او نیز، مانند بسیاری از نوگرایان ادبی، از مکتب رمانتیسیم فرانسه متأثر بود. رجائی‌زاده اکرم‌بیگ (وفات: ۱۹۱۴م) از پیش‌گامان مکتب رمانتیسیم در ادبیات نوین ترک بود (درباره او ← حبیب: ۱۸۱-۲۰۹؛ آژند: ۵۸). آثار این شاعران و نویسندگان و کسانی چون توفیق فکرت (وفات: ۱۹۱۵م)، شاعر و آزادی‌خواه ترک، و شاعرانی که بر گرد نشریهٔ ثروت فنون<sup>۱</sup> جمع شده بودند (TÜNCER: 11 →) ادبیات نوآیینی را پدید آورد که نه تنها ادبیات ترکیه را متحول کرد، بلکه چنان‌که پس از این خواهد آمد، در تحول ادبی ایران در دورهٔ مشروطه نیز تأثیر گذاشت.

#### ۵ تأثیر شعر نوگرای ترک بر تحول شعر عصر مشروطه

تحولاتی که در دورهٔ تنظیمات (۱۲۵۵-۱۲۹۳ق / ۱۸۳۹-۱۸۷۶م) در جهت نوسازی ساختار سیاسی و اداری حکومت عثمانی رخ داد تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کوشش نخبگان ایرانی برای ایجاد تحول در ایران بر جای نهاد. این تأثیر را هم در اقدامات امیرکبیر (وفات: ۱۲۳۰ش) به‌ویژه در نظم‌دهی به امور و دستگاه نابسامان سیاسی و اداری کشور و تأسیس دارالفنون تهران بر اساس الگوی دارالفنون استانبول و هم در کوشش‌های میرزا حسین‌خان سپهسالار (وفات: ۱۲۶۰ش) می‌توان مشاهده کرد، که بیست سال پس از سقوط امیرکبیر بر مسند صدارت نشست و کوشید تا آنچه را که در دورهٔ سفارت خود در پایتخت عثمانی از نزدیک دیده بود در ایران عهد ناصری به اجرا درآورد (← آدمیت: ۲: ۱۱۹ به بعد؛ حائری: ۳۱-۳۲). برخی از آثار بازمانده از این دوره، از جمله دفتر تنظیمات یا کتابچهٔ غیبی، قدیم‌ترین اثر به‌جامانده از میرزا ملکم‌خان (وفات: ۱۲۸۷ش) (← آدمیت: ۱: ۳۰-۳۳؛ قس. طباطبایی: ۲۱۵)، که در آن به ضرورت نوسازی دستگاه اداری ایران مطابق تحولات اداری عثمانی تأکید شده بود، مؤید تأثیر رخدادهای دورهٔ تنظیمات در اندیشهٔ پیشروان تجدد در ایران است.

۱. نام مجله‌ای مشهور در ادبیات عثمانی که در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۹ق منتشر می‌شد.

با وجود شواهد و مستندات گوناگونی که حکایت از تأثیر تحولات دوره تنظیمات در افکار و اقدامات نخبگان ایران دارد، قرینه‌ای در دست نیست تا نشان‌دهنده تأثیر ادبیات نوگرای عثمانی این دوره بر ادبیات فارسی باشد؛ با این حال، نمی‌توان مشابَهت‌های موجود میان آرای نخستین نظریه‌پردازان تجدید ادبی ایران نظیر میرزا فتحعلی آخوندزاده (وفات: ۱۲۵۷ش)، میرزا ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی (وفات: ۱۲۷۵ش) و طالبوف (وفات: ۱۲۹۰ش) را با دیدگاه‌های نوگرایان ترک و کسانی مانند ابراهیم شناسی، نامق کمال و عبدالحمید ضیاء پاشا از نظر دور داشت. در این سال‌ها، روشنفکران تجدیدطلب ایرانی نیز، همانند اقران ترک خود، ضمن نقد میراث بازمانده از اعصار گذشته، به ضرورت ایجاد تحول در اسلوب و درون‌مایه ادبیات تأکید می‌کردند و میراث ادبی گذشته را یکی از موانع تجدید و نوسازی فرهنگی می‌دانستند (درباره چکیده نقد و نظر این عده، از جمله ← آخوندزاده: ۲۹-۳۰؛ ناظم‌الاسلام کرمانی: ۱۴۱؛ مراغه‌ای: ۱/ ۱۰۱-۱۰۲). با این حال، به‌دشواری می‌توان از وجود تأثیر و تأثر در میان آنها سخن گفت. تردیدی نیست که کسانی مانند آخوندزاده و طالبوف، از مجرای زبان روسی، با اندیشه‌ها و اسلوب‌های ادبی جدید آشنایی یافته بودند؛ چنان‌که آخوندزاده، در همان آغاز عصر تنظیمات و سال‌ها پیش از نویسندگان ترک، به نوشتن نمایشنامه پرداخته و یا درباره ضرورت تجدید استفاده از انواع جدید ادبی سخن گفته بود (آخوندزاده: ۲: ۱۸۲).

در آثار آن گروه از روشنفکران ایرانی مانند میرزا حبیب اصفهانی (وفات: ۱۳۱۱ق)، میرزا آقاخان کرمانی و دیگران نیز که در دو دهه نخست قرن چهاردهم هجری در استانبول اقامت داشتند، جز تأثر از فضای فکری و سیاسی آن سرزمین و اخذ و اقتباس برخی اصطلاحات و عقاید، چندان نشانی از تأثیرپذیری ادبی نمی‌توان یافت. البته در محتوای آثار برخی از این افراد و، به طور مشخص، میرزا آقاخان کرمانی، می‌توان تأثیر پاره‌ای از افکار رایج در میان نخبگان عثمانی را دید، اما این تأثیر در



حدی نیست که از محدوده محتوای شعر فراتر رود. بدین ترتیب، می‌توان گفت که تا دوره مشروطه شاهد و قرینه قابل اعتنایی درباره تأثیر ادبیات و به‌ویژه شعر نوگرای ترک بر شعر و ادب فارسی در دست نیست. تأثیر تحولات ادبی ترکیه، به طور مشخص، پس از مشروطه، به‌ویژه در سال‌های جنگ جهانی اول و در آثار نسل دوم روشنفکران ایران، از جمله دهخدا، جعفر خامنه‌ای، میرزاده عشقی، غنی‌زاده سلماسی و تقی رفعت، بازتاب یافته است. بدین ترتیب، تأثیر نوگرایان ادبیات ترک و تحولات فکری و سیاسی جامعه عهد عثمانی را می‌توان در ساخت، صورت و محتوای آثار این گروه مشاهده کرد.

از این دوره به بعد، تا روی کار آمدن نظام جمهوری و فروپاشی امپراتوری عثمانی، برخلاف ادوار گذشته که ادبیات ترکی تحت تأثیر ادبیات ایران قرار داشت، جریان تأثیر و تأثر ادبی و فرهنگی معکوس شد؛ بدین ترتیب که ادبیات و، به طور خاص شعر فارسی، از شعر و ادب نوگرای عثمانی تأثیر پذیرفت. این تأثیر را می‌توان در دو سطح ساخت یا صورت و درون‌مایه یا محتوا بررسی کرد. نگارنده، در این جستار، تنها به تأثیرپذیری شعر فارسی از شعر نوگرای عثمانی از حیث ساخت و صورت می‌پردازد و بحث درباره محتوا را به مجال دیگری می‌گذارد.

## ۶ تأثیرپذیری در ساخت و صورت شعر

شعر نوگرای ترک، در چند زمینه، بر ساخت و صورت شعر فارسی تأثیر نهاده و موجب پیدایش اسلوب‌های بیانی متفاوت، سبک‌های تازه و انواع جدید شعری شده است. قطع نظر از جنبه‌های مثبت و منفی این تأثیر، بی‌تردید آنچه در دوران جنگ جهانی اول و یا اندکی پس از آن با عنوان «انقلاب ادبی» و یا «تجدد به مثابه انقلاب» از سوی کسانی مانند میرزاده عشقی و تقی رفعت طرح شده است (عشقی: ۱۷۱-۱۷۲، ۲۵۹-۲۶۱؛ آریز پور: ۲/ ۴۴۸-۴۵۲) سخت متأثر از تحولات نوگرایانه ادبی ترک و دیدگاه نظریه‌پردازان و شاعران نوگرای ترک و، به طورخاص، توفیق

فکرت و شاعران حلقه ثروت فنون بود. در ادامه به نمونه‌هایی از این تأثیر و تأثر اشاره می‌کنیم.

#### ۶-۱ وزن، قالب، اسلوب بیان

چنان‌که غالب پژوهندگان ادبیات معاصر ایران تأکید کرده‌اند، نخستین بارقه‌های نوگرایی در ساخت و صورت شعر عصر مشروطه در شعر «مرغ سحر» علی‌اکبر دهخدا دیده می‌شود (از جمله ← آراین‌پور: ۹۷-۹۵ / ۲؛ یوسفی: ۴۶۲). این شعر، به سبب تازگی ساخت و فرم بدیع و لحن مؤثر و برخورداری از صبغه سمبولیک و رمانتیک، به عنوان سرآغاز تجلّد در شعر ایران تلقی شده است. دهخدا این شعر را به یاد دوست شهید خویش، میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل (وفات: ۱۳۲۶ق)، سرود و در آخرین شماره روزنامه صور اسرافیل چاپ پاریس (اول محرم ۱۳۲۷ق / ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۹م) منتشر کرد. چنان‌که نخستین بار یحیی آراین‌پور در کتاب *از صبا تا نیما* متذکر شده، دهخدا در سرودن این شعر، در وزن، قالب، و تا حدی اسلوب بیان و کیفیت قافیه‌آرایی، از شعر رجایی‌زاده اکرم‌بیگ با نام «یاد ایت بنی» (مرا یاد کن) و یا از نظیره طنزآمیزی که میرزا علی‌اکبر صابر (وفات: ۱۲۹۰ش / ۱۹۱۱م)، شاعر انقلابی جمهوری آذربایجان، بر آن قطعه ساخته بود، اقتباس کرده است (← آراین‌پور: ۹۶-۹۵ / ۲؛ برای نمونه اشعار ← صابر: ۷۴-۷۵). حدود نیم قرن پیش از آنکه آراین‌پور از همانندی شعر رجایی‌زاده و دهخدا سخن گوید، اسماعیل حبیب، تاریخ‌نگار و ادیب نوگرای ترک، با مقایسه سروده رجایی‌زاده و شعری از آلفرد دوموسه<sup>۱</sup> (۱۸۱۰-۱۸۵۷م)، شاعر فرانسوی، با عنوان «یاد آر»<sup>۲</sup>، به تأثیرپذیری رجایی‌زاده از این شاعر تأکید کرده بود (← حبیب: ۱۹۲-۱۹۳). گرچه دهخدا نیز، به سبب اقامت در اروپا و پاریس و آشنایی با زبان و ادب فرانسه، می‌توانست به این سروده دوموسه دسترسی داشته باشد، اما قراین مختلف نشان می‌دهد که شعر رجایی‌زاده، و یا احتمالاً صابر، الهام‌بخش او در سرودن شعر «مرغ سحر» بوده است؛ با این حال، باید تأکید کرد که دهخدا، با نوآوری در

1. Alfred de Musset

2. Rappelle – toi

ساخت و محتوای شعر خود و با بهره‌گیری از سمبولیسم اجتماعی، اثری به‌مراتب کمال‌یافته‌تر از سروده‌ی رجایی‌زاده و صابر خلق کرده است.

شعر «مرغ سحر» دهخدا از جمله نخستین سروده‌های فارسی است که، در آن، هم تأثیر سمبولیسم اروپا دیده می‌شود و هم تأثیر رمانتیسم عثمانی؛ به همین دلیل، بارها بررسی و نقد شده است (آرین‌پور: ۲/ ۹۴؛ یوسفی: ۲۶۰-۲۶۷؛ سلیمانی: ۲۲۴-۲۲۵؛ صدری‌نیا ۴: ۲۰۶-۲۰۷؛ جعفری: ۷۵-۷۹). در اینجا، به منظور نشان دادن تأثیرپذیری دهخدا از شعر رجایی‌زاده و یا نظیره‌ی صابر، بند اول هر سه سروده را نقل می‌کنیم:

#### رجائی‌زاده:

وقتا که گلوب بهار یکسر	اشیاده عیان اولور تعیر
وقتا که هزار عشق پرور	یاپراقلار ایلا ایدوب تستر
بیلم کیمه قارشی حسرتندن	باشلار نوحاته بی تأخر
قیل گوگ یوزنین لطفندن	صافیّت عشقمی تخطر

یاد ایت بنی بیر دقیقه یاد ایت

(به نقل از حبیب: ۱۹۲؛ آرین‌پور: ۹۵)

#### میرزا علی اکبر صابر:

وقتا که قوپور بیر ایوده ماتم	تشکیل ایدیلیر بساط احسان
معلوملر اگلشور معمّم	تفریح ایله اللرینده قلیان
ایو صاحبین خیالی برهم	افکاری قوناق لارین فسّنجان
پیشدیکجه قازان قازان متنجم	گلدیکجه طاباق طاباق بادمجان

یاد ایت منی یاغلی یاغلی یاد ایت

(صابر: ۷۴)

#### دهخدا:

ای مرغ سحر چو این شب تار	بگذاشت ز سر سیاه‌کاری
وز نفحه روح‌بخش اسحار	رفت از سر خفتگان خماری
بگشوده گره ز زلف زرتار	محبوبه نیلگون عماری

یزدان به کمال شد پدیدار و اهریمن زشت‌خو حصارِ

یاد آر ز شمع مرده یاد آر

(دهخدا: ۷-۹)

## ۶-۲ تأثیرپذیری از شعر رمانتیک ترک

در طلیعه جست‌وجوی راه‌ها و شیوه‌های نو در عرصه شعر، برخی از شاعران ایرانی در نخستین دهه‌های قرن بیستم میلادی، از طریق آشنایی با ادبیات فرانسه و ادبیات نوگرای ترک، مجذوب پاره‌ای از جلوه‌های مکتب رمانتیسم شدند. پس از دهخدا که بعضی از نشانه‌ها و جلوه‌های رمانتیسم را می‌توان در شعر «مرغ سحر» او نشان داد (← جعفری: ۷۵-۷۹)، جعفر خامنه‌ای، تقی رفعت و به‌ویژه میرزاده عشقی از جمله پیشروان شعر رمانتیک ایران به شمار می‌آیند. هرچند این هر سه با زبان فرانسه آشنایی داشتند، اما به نظر می‌رسد که آنان بیش از شعر فرانسه از رمانتیسم شعر نوگرای ترک تأثیر پذیرفته‌اند. از میان این سه، جعفر خامنه‌ای (وفات: ۱۳۶۲ق)، روشنفکر و آزادی‌خواه آذربایجانی، از فضل تقدّم برخوردار است. به گفته آراین‌پور، جعفر خامنه‌ای مدت‌ها پیش از آغاز بحث و مجادله میان روزنامه تجلّد در تبریز و مجله دانشکده در تهران، علاوه بر فراگیری زبان فرانسه، با ادبیات نوین ترکان عثمانی نیز آشنا بود. او در شعر «از شکل معمول اشعار فارسی عدول کرده، قطعاتی بی‌امضا با قافیه‌بندی جدید و بی‌سابقه و مضامین نسبتاً تازه انتشار می‌داد» (آراین‌پور: ۲/ ۴۵۳). وجه متمایز برخی از سروده‌های خامنه‌ای از جمله در برخوردارگی از صبغه رمانتیک بود که تأثیر شعر جدید عثمانی به‌وضوح در آنها دیده می‌شد. این ویژگی در اشعار به‌جامانده از تقی رفعت نیز، که تعدادی از آنها را آراین‌پور در کتاب خود نقل کرده، مشهود است (همان: ۲/ ۴۵۵-۴۶۱؛ جعفری: ۸۰-۸۵). در شعر معروف «هذیان» سروده محمود غنی‌زاده سلماسی (← صفوت: ۱۵۴-۱۵۵) نیز برخی از نشانه‌های رمانتیسم عثمانی را می‌توان دید. برخی از این سروده‌ها، علاوه بر رنگ و جلوه رمانتیک، از حیث کاربرد برخی لغات و طرز قافیه‌بندی نیز متأثر از شعر نوگرای ترک به‌ویژه شاعران حلقه ثروت فنون بود.

این تأثیر و تأثر چنان آشکار بود که در همان سال‌ها مجله کاوه در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات خان‌والده»<sup>۱</sup>، با نقل نمونه‌هایی از شعر رفعت، به نقد استهزاآمیز این گونه تأثیرپذیری و اقتباس پرداخت (آرین‌پور: ۴۵۹) و ایرج‌میرزا این نوع تجلّد را عامل «شلم شوربا» شدن ادبیات نامید (← محجوب: ۱۲۰). برخی از جلوه‌های این تأثیر را به طور خاص در سروده‌های رمانتیک عشقی می‌توان دید. بررسی دیوان عشقی مؤید آن است که در آثار او، پیش از مهاجرت به استانبول، نشانی از آشنایی با اصول و جلوه‌های رمانتیسیم به چشم نمی‌خورد، حال آنکه برخی از سروده‌های دوران مهاجرت او نظیر «نوروزی‌نامه» (← عشقی: ۲۶۲-۲۷۲) و «برگ بادبُرده» (← همان: ۳۰۶-۳۰۸) و نیز «منظومه ایدئال» (سه تابلوی مریم) او (← همان: ۱۷۳-۱۹۳) که در آخرین سال حیات وی سروده شده است، به لحاظ نوع تخیل، فضاسازی، صحنه‌آرایی و شیوه بیان احساس، به سروده شاعران رمانتیک ترک مانند رجائی‌زاده، عبدالحق حامد و توفیق فکرت و بعضی از شاعران نشریه ثروت فنون شباهت زیادی دارد (برای نمونه‌های شعر رمانتیک ترک ← حبیب: ۱۹۰ به بعد؛ برای مطالعه جنبه‌های رمانتیک شعر «نوروزی‌نامه» ← صدری‌نیا: ۱۰۹-۱۳۴).

### ۳-۶ اپرا یا نمایشنامه‌های منظوم

تأثیر ادبیات نوگرای دوره عثمانی را می‌توان از جمله در رویکرد شاعران ایرانی به خلق اپرا یا نمایشنامه منظوم و، به تعبیر عشقی، نمایش تمام‌آهنگ (به نقل از میرانصاری: ۱۴۳) دید. این نوع ادبی، پیش از نمایشنامه‌های کفن سیاه و رستاخیز شهریاران/ایران عشقی، چندان سابقه‌ای در ادب فارسی نداشته است (← فرشیدورد: ۱/ ۶۳). نخستین بار سید محمدرضا میرزاده عشقی (مقتول در ۱۳۴۳ق/ ۱۹۲۴م)، تحت تأثیر نمایشنامه‌های منظوم ترک، به سرودن این نوع شعر پرداخت. وی در شمار مهاجران

۱. خان‌والده («والده خانی» در زبان ترکی) نام محله‌ای است در استانبول که برخی روشنفکران نوگرای ایران مدت‌ها در آنجا ساکن بودند.

ایرانی بود که در گرماگرم جنگ جهانی اول به استانبول پناه برده بودند. عشقی در این سال‌ها، چنان‌که خود گفته است (← میرانصاری: ۱۴۳)، با ادیبان آن شهر آشنایی داشته و، ضمن مرادده با شاعران بزرگ عثمانی و مطالعه آثار منظوم ترک، به ضرورت خلق اپرا و نمایشنامه‌های منظوم پی برده و، بر اثر آن، نمایشنامه‌های منظومی مانند *کفن سیاه* و *رستاخیز شهریاران ایران* را خلق کرده است. با مقایسه این نمایشنامه‌ها با برخی از نمایشنامه‌های عبدالحق حامد طرخان (۱۲۶۷-۱۳۵۶ق)، ادیب و شاعر ترک، از جمله *ابن موسی*، *فیتین* و *زینب* (درباره این آثار ← حبیب: ۲۲۷-۲۶۰)، می‌توان احتمال داد که عشقی در سرودن نمایشنامه‌های منظوم خود از آثار حامد و نظایر آنها تأثیر پذیرفته است. عشقی درباره خلق چنین آثاری نوشته است:

در اسلامبول مکرر ادبای بزرگ عثمانی به من اظهار کردند: خیلی غریب است ایران که از سرچشمه‌های ادبیات دنیاست اپرا ندارد! آن اظهارات بالاخره احساسات و طبع ناچیز مرا در ترتیب اپرایی به زبان فارسی موظف نمود (به نقل از میرانصاری: ۱۴۳).

#### ۴-۶ چهارپاره‌سرایی

چهارپاره یا دویته‌های پیوسته از جمله قالب‌های نوپدید شعری است که، اندکی پس از استقرار مشروطه در ایران، به حریم شعر فارسی راه یافته است. غالباً منشأ این قالب شعری را ادبیات اروپا و، به طور خاص، فرانسه دانسته‌اند (← شفیع کدکنی: ۷۷؛ کریمی حکاک: ۳۵۹؛ شمس لنگرودی: ۶۵). چنان‌که در جای دیگر به تفصیل آورده‌ایم (← صدری‌نیا: ۳: ۲۳-۳۲)، به زعم نگارنده نخستین چهارپاره‌سرایان ایرانی، نه از طریق ادبیات اروپا، بلکه از رهگذر ادبیات واسطی با این قالب شعری آشنا شده و آن را به خدمت گرفته‌اند. پیشینه دیرینه‌تر چهارپاره‌سرایی در ادبیات نوگرای عثمانی، از یک سو، و آشنایی نخستین شاعران چهارپاره‌سرای ایرانی با شعر نوگرای ترک مؤید آن است که این شاعران از طریق ادبیات جدید عثمانی با قالب چهارپاره آشنا شده‌اند.

پیشینه رویکرد به قالب چهارپاره در ادبیات جدید ترک به دوره تنظیمات بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد که عاکف پاشا (وفات: ۱۳۶۱ق)، شاعر و دولتمرد دوره تنظیمات، نخستین و یا یکی از اولین کسانی باشد که در ادبیات ترکی از این قالب بهره جستند. اسماعیل حبیب، دو شعر «مرثیه» و «شرقی» عاکف پاشا را، از حیث فرم و شیوه بیان، متأثر از شعر شاعران اروپایی ارزیابی کرده است (← حبیب: ۹۵). برای نمونه، شعر «مرثیه» (← همان: ۹۷) متشکل از دوبیتی‌های پیوسته‌ای است که با چهارپاره زیر آغاز می‌شود:

طفل نازنینم اونو تمام سنی آیلار، گونلر دگل گجسه ده ییللر  
تلخکام ایلدی فراقن بنی چیقارمی خاطر دن او تاطلی دیللر؟

ترجمه: کودک نازنینم هرگز تو را فراموش نمی‌کنم، نه با گذر روزها و ماه‌ها و نه حتی سال‌ها. هجرانت مرا تلخکام کرد، مگر آن شیرین‌زبانی‌ها از خاطر محو می‌شود؟

پس از عاکف پاشا، دیگر شاعران دوره تنظیمات و مشروطه عثمانی از جمله ابراهیم شناسی، ضیاء پاشا، نامق کمال، و سپس شاعرانی مانند رجائی زاده اکرم بیگ، عبدالحق حامد و توفیق فکرت، که همگی با زبان و ادبیات فرانسه آشنا بودند، با سروده‌های خود به این قالب شعری اعتبار و رسمیت بخشیدند. در این میان، نقش شاعرانی که بر گرد نشریه ثروت فنون جمع آمده بودند در ترویج آن اهمیت خاصی داشت.

برخلاف استنباط برخی از پژوهندگان ادبیات معاصر که شعر «وفا به عهد» ابوالقاسم لاهوتی (وفات: ۱۳۳۶ش) — شاعر و روزنامه‌نگار دوره مشروطه — سروده شده در سال ۱۳۳۶ش / ۱۹۰۹م (← لاهوتی: ۲۰۳-۲۰۴)، را نخستین چهارپاره زبان فارسی دانسته‌اند (← شمس لنگرودی: ۶۵/۱)، نگارنده بر این باور است که سابقه چهارپاره سرایی در ایران به چند سال پیش از این تاریخ بازمی‌گردد. علاوه بر چهارپاره‌ای که در تاریخ ۱۵ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵ق در روزنامه آذربایجان به چاپ رسید (← مقصودی: ۶۹۷)، سروده‌های جعفر خامنه‌ای، که در آن سال‌ها در روزنامه‌های *حبل‌المتین* و *چهره‌نما* بدون امضا منتشر می‌شد، نشان می‌دهد که، پیش از شعر «وفا به عهد» لاهوتی، چهارپاره سرایی در ایران بیش‌و کم رواج داشته و لاهوتی، براساس سرمشق‌های ایرانی

چهارپاره، به سرودن این نوع شعر پرداخته است؛ به‌ویژه آنکه در زندگی وی نمی‌توان به قرینه‌ای دست یافت که نشان‌دهنده آشنایی او با زبان فرانسه یا ترکی عثمانی باشد؛ حال آنکه جعفر خامنه‌ای با هردو زبان به نیکی آشنا بوده (← براون: ۷۰؛ آرین‌پور: ۴۵۲-۴۵۳) و اسلوب سروده‌های وی نیز مؤید آشنایی او با شعر شاعران نوگرای عثمانی به‌خصوص شاعران حلقه ثروت فنون است.

به هر روی، به نظر می‌رسد که این قالب شعری از طریق شاعران آشنا به زبان و ادبیات ترکی و، به طور خاص، جعفر خامنه‌ای به ادبیات فارسی راه پیدا کرده و با استقبال شاعران ایرانی مواجه شده است.

#### ۷ نتیجه

بی‌گمان تأثیر ادبیات نوگرای ترک، در دوره مورد بحث ما، به مواردی که در مقاله بررسی شد محدود نیست. این تأثیر و تأثر، علاوه بر عرصه شعر که نیازمند بررسی بیشتری است، در حوزه ترانه‌سرایی و تصنیف‌سازی و نیز در زمینه شیوه نثرنویسی نیز شایسته مطالعه است. امیدواریم پژوهشگران ایرانی و ترک، با پژوهش‌های تطبیقی در زمینه مناسبات و پیوندهای ادبی، کاستی‌ها و ابهامات موجود در این حوزه را برطرف سازند.

#### منابع

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱)، مقالات فارسی، به کوشش حمید محمدزاده، نگاه، تهران ۱۳۵۵.
- \_\_\_\_\_ (۲)، مکتوبات و الفبای جدید، به کوشش حمید محمدزاده، احیا، تبریز ۱۳۵۷.
- آدمیت، فریدون (۱)، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، پیام، تهران ۱۳۵۷.
- \_\_\_\_\_ (۲)، اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، خوارزمی، تهران ۱۳۵۱.
- آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، چاپ چهارم، زوار، تهران ۱۳۷۲.
- آژند، یعقوب، ادبیات نوین ترکیه، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴.
- ابن بی‌بی، یحیی بن محمد، مختصر سلجوق‌نامه، به کوشش م. ه. هوتسما، لیدن ۱۹۰۲م.
- الاصفهانی، عمادالدین محمد، تاریخ دولة السلجوق، اختصار فتح بن علی البنداری، مصر ۱۹۰۰م.



- امامی خوبی، محمدتقی، «ایران و عثمانی از گذشته تا امروز» ← حضرتی. براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، معرفت، تهران ۱۳۳۵.
- جعفری، مسعود، سیر رمانتیسیم در ایران، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۶.
- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴.
- حبیب، اسماعیل، تورک تجدد ادبیاتی تاریخی، مطبوعه عامر، استانبول ۱۳۴۰ق.
- الحسینی، صدرالدین ابی الحسن، اخبار الدولة السلجوقیة، به تصحیح محمد اقبال، انتشارات دانشگاه پنجاب، لاهور ۱۹۳۳م.
- حضرتی، حسن، مشروطه عثمانی، پژوهشکده تاریخ اسلام، تهران ۱۳۸۹.
- دهخدا، علی اکبر، دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تیرازه، تهران ۱۳۷۰.
- ریاحی، محمدامین، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، پازنگ، تهران ۱۳۶۹.
- زرین کوب، عبدالحسین، پله پله تا ملاقات خدا، علمی، تهران ۱۳۸۳.
- سلیمانی، بلقیس، همنوا با مرغ سحر، ثالث، تهران ۱۳۷۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت الله اصیل، نشر نی، تهران ۱۳۸۲.
- شمس لنگرودی، محمدتقی، تاریخ تحلیلی شعر نو، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۸.
- صابر، علی اکبر، هوپ هوپ نامه، فرزانه، تهران [بی تا].
- صدر قونیوی، ابوبکر، روضة الکتاب و حدیقة الالباب، مقدمه و تصحیح میرودود سیدیونسی، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز ۱۳۴۹.
- صدری نیا، باقر (۱)، «بررسی تطبیقی نوروزی نامه عشقی و نوروزیه لاهوتی»، شعرپژوهی (بوستان ادب)، دوره ۵، ش ۴ (پیاپی ۱۸)، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۹-۱۳۴.
- \_\_\_\_\_ (۲)، «بررسی عوامل و ابعاد مهاجرت ایرانیان به آسیای صغیر در قرن هفتم»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، س ۱، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۴۳-۶۹.
- \_\_\_\_\_ (۳)، «پیدایش و تحول چهارپاره سرایی در ایران»، فنون ادبی (دانشگاه اصفهان)، س ۷، ش ۱ (پیاپی ۱۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۳-۳۲.
- \_\_\_\_\_ (۴)، «پیدایش و تحول شعر رمانتیک در ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۳۶، ش ۱ (پیاپی ۱۴۰)، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۹۹-۲۱۶.
- صفوت، محمدعلی، داستان دوستان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، نشر ابو، تبریز ۱۳۷۶.

- طباطبایی، سیدجواد، *نظریه حکومت قانون در ایران*، ستوده، تبریز ۱۳۸۶.
- عشقی، سید محمدرضا، *کلیات مصور عشقی*، به اهتمام علی اکبر مشیر سلیمی، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷.
- فرشیدورد، خسرو، *نقد ادبی*، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳.
- کریمی حکاک، احمد، *طلیعه تجلّد در شعر فارسی*، ترجمه مسعود جعفری، مروارید، تهران ۱۳۸۴.
- لاهورتی، ابوالقاسم، *دیوان اشعار*، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۸.
- محبوب، محمدجعفر، *تحقیق در احوال و آثار و افکار ایرج میرزا*، شرکت نشر اندیشه، تهران ۱۳۵۳.
- مراغای، میرزا زین العابدین، *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ*، به کوشش محمدعلی سپانلو، تهران ۱۳۶۴.
- مقصودی، نورالدین، «دویستی‌های پیوسته»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، س ۱۲، ش ۴ (مسلسل ۴۸)، زمستان ۱۳۵۵، ص ۶۸۴-۷۱۵.
- میرانصاری، علی، *نمایشنامه‌های میرزاده عشقی*، طهوری، تهران ۱۳۸۶.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش سعیدی سیرجانی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱.
- نجم‌الدین رازی، مرصاد العباد، به تصحیح محمدامین ریاحی، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۵.
- نظیف، سلیمان، «ایران ادیبانک ادبیات‌مزه تأثیری»، *ادبیات عمومی مجموعه‌سی*، ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م، ج ۲-۳، ش ۱۹-۷۲.
- یوسفی، غلامحسین، *چشمه روشن*، علمی، تهران ۱۳۷۱.
- Akşemseddin, *Akşemseddin Hayatı ve Eserleri*, haz. İhsan Yurd ve Mustafa Kaçalın, Marmara Üniversitesi, İstanbul 1994.
- EMRE, Yunus, *Yunus Emre Divanı*, haz. Mustafa Tarıcı, Akçağ Yayınları, Ankara 1991.
- TUNCER, Hüseyin, *Meşrutiyet Devri Türk Edebiyatı*, Akademi Kitabevi, İzmir 1994.